

# انگیزه‌های مشارکت زنان روستائی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی در استان فارس

ایرج ملک محمدی و غلامحسین حسینی نیا  
دانشیار و دانشجوی دوره دکتری گروه ترویج و آموزش کشاورزی  
دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران  
تاریخ پذیرش مقاله ۷۸/۷/۲۱

## خلاصه

اگر چه زنان کمک عمده‌ای به تولید مواد غذایی در سطح جهان معمول می‌دارند، اما به ندرت از خدمات ترویجی سود می‌برند. تماس ناچیز آنان با مؤسسات ارائه‌کننده خدمات ترویجی باعث گردیده تا مسایل آنان به ندرت در نظام ترویج منعکس شود. اطلاعات حاصل شده از بررسی سال ۱۹۸۹ سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) نشان می‌دهد که در حدود ۵ درصد از کل منابع ترویج کشاورزی در سطح جهان، برای کشاورزان زن اختصاص داده شده و فقط ۱۵ درصد از پرسنل ترویج جهان را زنان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که در صورت یکسان بودن سایر موارد، زنان خدمات ترویجی را به نحو موثرتری نسبت به مردان مورد استفاده قرار داده‌اند. این تحقیق به بررسی انگیزه‌های مشارکت زنان روستائی در فعالیت‌های ترویجی پرداخته و به عوامل انگیزشی مؤثر در جلب مشارکت زنان در برنامه‌های ترویجی و مشارکتی می‌پردازد. این پژوهش با توجه به هدف آن، از نوع علی - قیاسی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۴۹۱۵ نفر زنان روستائی استان فارس بود که در سال ۷۶ حداقل یکبار در فعالیت‌های آموزشی ترویجی و مشارکتی مدیریت ترویج و مشارکت مردمی جهاد استان فارس شرکت کرده‌اند. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۴۹ نفر زن روسای بود که بر اساس روش کوکران و باروش نمونه‌گیری خوشه‌ای جغرافیایی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای داده پردازی علاوه بر آمار توصیفی از آماره‌های استنباطی نظیر ضریب همبستگی اسپرمن، آزمون من ویت‌نی - یو و آزمون کروسکال والیس استفاده شد. در مجموع، اکثر زنان روستائی مورد مطالعه نسبت به برنامه‌های ترویجی مورد مطالعه اظهار رضایت کرده‌اند. در یک اولویت بندی از کل انگیزه‌های مورد بحث انگیزه‌های «آموختن دانش و مهارت به خاطر علاقه»، «یادگرفتن نکات تازه و جدید» و «استفاده مفید از وقت» در بین زنان مورد مطالعه به ترتیب در اولویت اول تا سوم قرار گرفتند. با استفاده از نتایج تحقیقات قبلی و بررسی سوابق موضوع جمعا ۲۸ انگیزه برای مشارکت در فعالیت‌های ترویجی استخراج گردید. این انگیزه‌ها در ۴ گروه تقسیم بندی شدند و برای نظر خواهی به پاسخگویان ارائه شد. با توجه به ضریب همبستگی اسپرمن و سطح معنی‌داری قابل قبول آن بین متغیر وابسته تحقیق (انگیزه مشارکت) و متغیرهای مستقل در ۱۱ مورد همبستگی معنی دار مشاهده گردید. در نهایت پیشنهاد شد که از زنان کار آفرین برای جلب انگیزه زنان روستائی و شرکت آنان در برنامه‌های آموزشی ترویج استفاده شود و حتی المقدور در برنامه‌های ترویجی و آموزشی از کارشناس و مروج زن به جای مروجان مرد استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، زنان، برنامه ترویجی، ترویج و مشارکت

## مقدمه

نقش زنان در توسعه کشاورزی و روستایی بر هیچ کس پوشیده نیست. مروری بر نگاه‌های موجود در این خصوص شاهی است بر انفجار در مطالعاتی - عمدتاً توصیفی - که زنان و نقش آنان را در توسعه کشاورزی و روستایی بررسی می‌نماید. در غالب این مطالعات نیز بر ضرورت تغییر نقش و جایگاه زنان در این زمینه تاکید بعمل آمده است. با این وجود در عمل، بهبود اندکی حاصل شده و همچنان نگرش به زنان به عنوان «کشاورزان پنهان» و «ایفا کنندگان نقش‌های غیرکلیدی» نگرش غالب راتشکیل می‌دهد. البته این امر، خود جزئی از کل بوده و به نگرش جنسیتی نادرست مربوط می‌گردد (۱).

آننگر<sup>۱</sup> در توضیح اینکه چرا زنان در همان موقعیت مردان انگیزه پیشرفت کمتری از خود نشان می‌دهند می‌گوید: در این زمینه باید به سرزنش‌هایی که به زنان می‌شود توجه کرد چون مردان بیشتر تمایل دارند زنان را سرزنش کنند، برخی نیز از ضعف‌های درونی برای عدم موفقیت زنان سخن می‌گویند (متلین ۱۹۸۷، ص ۱۴) اما آنچه که مسلم است «مشکلات زنان [به عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی] از بی‌کفایتی‌ها و کمبودهای شخصی ایشان ناشی نمی‌شود بلکه آنان به وسیله یک نظام اجتماعی که در آن تبعیضات صورت رسمی و قابل قبول به خود گرفته است، عقب‌نگه داشته شده‌اند (۳). داعیه داران توسعه انسانی پایدار بر این اعتقادند که فرصت‌ها باید به شکلی عادلانه در اختیار افراد قرار گیرد، باید به همه مردم چه مرد و چه زن، به طور یکسان فرصت داده شود تا در جریان طرح و اجرای تصمیمات اساسی که زندگی آنها را شکل می‌بخشد مشارکت داشته باشند (۶).

داگلاس نیز معتقد است که فقدان برنامه‌های مؤثر برای بهبود وضع زنان به خلاء عمده‌ای که در سیاست‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذاری و پس انداز وجود دارد باز می‌گردد، که این امر ناشی از عدم شناخت کامل قابلیت زنان در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (همان).

هدف توسعه، خلق شرایطی است که همه مردم بتوانند در آن، از عمر طولانی و زندگی سالم و سازنده بهره‌مند شوند در واقع در هر سطحی از توسعه، سه عامل برای مردم ملاک است؛ رسیدن به یک زندگی طولانی و توأم با سلامت؛ کسب علم و دانش؛ و دسترس

داشتن به منابع مورد نیاز یک سطح زندگی مناسب و شایسته (۶).

نگرش سیستمی به توسعه روستایی، پدیده مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد. منظور از نگرش سیستمی، یکجا بینی عوامل متعدد و متنوعی است که با یکدیگر در هم آمیخته‌اند تا به صورت یکپارچه توسعه روستایی را به وجود آورند. پدیده پیچیده و فرایند پرتلاطمی که نیازمند همگانی و هماهنگی عوامل مختلف و میان‌کنش‌های منسجم بین آنهاست (۱۶). بسیاری از روستائیان در طرح‌های ترویجی شرکت نمی‌کنند زیرا استدلالشان آن است که دیگران مشارکت و همکاری خواهند کرد (۵).

در اثنای مشارکت فراگیر اقشار روستایی در برنامه‌های توسعه روستایی به طور اعم، و برنامه‌های ترویجی به طور اخص، مسئله مشارکت زنان روستایی - به عنوان نیمی از پیکره جامعه روستایی - در این برنامه‌ها، مسئله‌ای بسیار مهم و درخور تأمل است.

تنگناها، موانع، مشکلات و محدودیت‌های موجود، مسئله مشارکت زنان در برنامه‌های ترویج و توسعه روستایی را به مسئله‌ای پیچیده و بغرنج مبدل ساخته است.

روبنسون می‌نویسد: «بسیاری از پژوهشگران تصور می‌کنند که «انگیزش» تنها عامل تعیین کننده مشارکت بزرگسالان در آموزش است».

فردمن (۱۹۸۵) نیز معتقد است «جایی که انگیزه‌های قوی وجود دارند، حتی روش‌های فاقد کارایی هم به طور مؤثری مشارکت را تضمین می‌کنند» (۱۷).

«موضوع انگیزش در روانشناسی نظیر موضوع علیت در فلسفه است؛ زیرا اعمالی که از موجود زنده سر می‌زند معلول علتی است؛ هر چند لازم نیست که همیشه برای هر رفتار، علتی عینی یافت شود، بنابراین، انگیزش است که به «علت» یا «چرایی» رفتار اشاره دارد (۱۴).

به عقیده «مان» انگیزش را اغلب دینامیک رفتار می‌گویند. این اصطلاح از علم فیزیک گرفته شده است و منظور از آن، انرژی یا نیروی است که باعث ایجاد حرکت در اجسام می‌شود. دلیل به کار بردن این اصطلاح برای انگیزش رفتار، این است که انگیزش رفتار نیز باعث حرکت موجود زنده می‌شود. در واقع هر عامل که باعث فعالیت (داخلی و خارجی) موجود زنده می‌شود، نوعی انگیزش به شمار

می‌رود (۱۳).

ناثلی به نقل از استیرز و پورتر به چند تعریف که توسط عده‌ای از نظریه پردازان انگیزش عنوان شده اشاره می‌کند:

ویکتور وروم<sup>۱</sup>، انگیزش را فرایندی تصور می‌کند که گزینش‌هایی را که توسط انسان یا موجودات زنده دیگر صورت می‌پذیرد، تحت نفوذ قرار می‌دهد.

بیریل سان و استاینر<sup>۲</sup>، معتقدند که انگیزش حالت درونی فرد است و رفتاری را در وی به وجود می‌آورد تا رسیدن به هدف مشخصی ممکن گردد (۱۸).

میسکل، معتقد است که فرایند انگیزش به نیروهای پیچیده، سابقه‌ها، نیازها، شرایط تنش‌زا یا ساز و کارهای دیگری اطلاق می‌شود که فعالیت فرد را برای تحقق هدفهای وی آغاز کرده و به آن تداوم می‌بخشد (همان).

اینک با توجه به مفاهیم ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که همه روانشناسان به این نکته معتقدند که انگیزش عاملی است درونی، که رفتار شخص را تحریک می‌کند و در جهت معینی سوق می‌دهد و آنرا هماهنگ می‌کند.

این مفهوم را می‌توان در تعاریف نظریه پردازان دیگری همچون رابرت برنز<sup>۳</sup>، آراج. اوینگ<sup>۴</sup>، سیف و میشل<sup>۵</sup> نیز مشاهده کرد. بسیاری از روانشناسان نیز داوطلبانه بودن یا هدف‌مداری را بعنوان جزئی از تعریف انگیزش بیان می‌کنند. بنابراین انگیزش از این دیدگاه عبارت است از آن دسته از فرایندهای روانی که سبب برانگیختن، هدایت و پایداری اعمال خود خواسته‌ای می‌شود که در جهت هدف باشند (۷).

انگیزه پیشرفت

برخی از محققان انگیزه پیشرفت را با توجه به جنسیت مورد بررسی قرار داده و نتایج جالب توجهی را بدست آورده‌اند. در دهه ۱۹۷۰، با توجه به تحولات اجتماعی و پاگرفتن نهضت آزادی زنان در بسیاری از جوامع غربی، پژوهش‌های مربوط به «انگیزه پیشرفت زنان» مورد توجه بیشتری قرار گرفت. در این پژوهش‌ها، دو نظر اساسی مورد توجه قرار گرفت. اولین نظر آن بود که زنان نیز مانند مردان انگیزه برای پیشرفت دارند؛ ولی این «انگیزه پیشرفت» در زنان

به اندازه مردان قوی نیست. دومین نظر که با استقبال فراوانی روبرو شد این بود که زنان به علت اثرات منفی موفقیت، از آن اجتناب می‌ورزند؛ (۹). ماتیئا هورنر (۱۹۷۲) به شدت از این نظریه حمایت می‌کرد وی «ترس از موفقیت» را به عنوان عامل بازدارنده‌ای برای پیشرفت در زنان مطرح نمود. «ترس از موفقیت» در ابتدا توسط هورنر به عنوان عامل بازدارنده‌ای در پیشرفت زنان مطرح شد. بر اساس تحقیقات وی ۶۲٪ زنان و فقط ۹٪ مردان «ترس از موفقیت» بروز دادند. که این تفاوت جنسی از نظر آماری معنی‌دار بود و بسیار مهم تلقی شد و در واقع این یافته به عنوان تأیید کننده فرضیه هورنر مورد توجه فراوان قرار گرفت (۲۱).

زن احساس می‌کند نمی‌تواند هم همسر و مادر خوبی باشد و هم در حرفه خاصی به موفقیت و پیشرفت دست یابد؛ یعنی نمی‌تواند هم دارای پایگاه اجتماعی و هم پایگاه خانوادگی باشد. مردان با این دوگانگی روبرو نمی‌باشند، زیرا موفقیت و پیشرفت با نقش و هویت جنسی و اجتماعی آنها مغایرتی ندارد (۹).

در واقع عکس‌العمل زنان به رفتارهایی است که با جنسیت آنها مغایرت دارد و عملاً مبین آن است که زنان از رفتارهای قالبی که جامعه برای آنها در نظر گرفته است آگاهند و به آن واکنش نشان می‌دهند. لذا اگر زنان روستایی مشارکت فعالی در امور روستا و اموری که مستلزم ترک منزل و حضور در محافل عمومی است از خود نشان نمی‌دهند، این مسئله را نمی‌توان به «ترس از موفقیت» در آنها ارتباط دارد. هنجارهای فرهنگی روستا زنان را به کار در منزل و مردان را به فعالیت در خارج از منزل سوق می‌دهد لذا طبیعی است که زمانی که افراد از هنجارهای رفتاری و ارزشی زن و مرد دور می‌شوند، جامعه از خود واکنش نشان می‌دهد و این واکنش بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارد و در نهایت زنان روستا را از مشارکت در امور باز می‌دارد.

مشارکت:

در سالهای اخیر، بویژه از اوایل دهه ۱۹۷۰، رویکردهای مشارکتی به توسعه، مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. در سطوح ملی و بین‌المللی روز به روز بیشتر در باره اهمیت مشارکت، هم به عنوان یک وسیله و هم به عنوان یکی از هدفهای توسعه، اتفاق نظر

1 - V. H. Vroom, 1964

2 - B. Berson & G. steiner 1964

3 - Robert Burns

4 - R. H. Eving

5 - Mitchell

پیدا شد (۱۰).

متأهل می‌تواند دلیل دیگری نیز داشته باشد زیرا فشارها و محدودیت‌های فرهنگی جامعه خصوصاً در جوامع سنتی که مشارکت دختران را تحت الشعاع بیشتری قرار می‌دهد در مورد زنان متأهل تا اندازه‌ای تخفیف می‌یابد و زنان متأهل امنیت خاطر بیشتری را احساس می‌نمایند.

همچنین مشارکت در فعالیت داوطلبانه عموماً با تعداد فرزندان که فرد دارد افزایش می‌یابد، (همان ص ۱۹-۱۸). سن فرزندان نیز بر مشارکت والدین در اینگونه فعالیت‌ها، تأثیر گذار است.

۲- جایگاه اجتماعی اقتصادی<sup>۳</sup> - متغیرهای جایگاه اجتماعی اقتصادی شامل سطح درآمد، آموزش، طبقه اجتماعی خود تنظیم<sup>۴</sup>، یا معین شده توسط دیگران<sup>۵</sup>، وجهه شغلی<sup>۶</sup>، مالکیت خانه و دیگر اموال فیزیکی می‌تواند بر مشارکت داوطلبانه افراد در فعالیت‌ها تأثیر گذارد. هر چه افراد پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتری داشته باشند، بیشتر در فعالیتهای داوطلبانه شرکت می‌کنند به نحوی که افراد طبقه پائین دارای کمترین تمایل برای شرکت در این گونه فعالیت‌ها می‌باشند. (همان)، تأثیر جایگاه اجتماعی اقتصادی بر مشارکت داوطلبانه افراد توسط بارت و دیگران<sup>۷</sup> (۱۹۹۱)، فلدمن و ولش<sup>۸</sup> (۱۹۹۵)، تیامو<sup>۹</sup> (۱۹۹۴) و هو<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) مورد تأثیر قرار گرفته است. لذا مشخص کردن اینکه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های داوطلبانه آموزشی ترویج در هنگامی که مؤلفه‌های عامل توانایی (از قبیل درآمد، سواد، مالکیت و ...) مهیا است، به چه صورت است (تعیین تأثیر انگیزه بر توانمندی) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳- مشخصات اجتماعی - فیزیکی - متغیرهای مربوط به این مشخصات، سازه‌هایی مثل جنس، قومیت، سلامتی فیزیکی و توانایی‌های جسمی را شامل می‌شود.

مطالعات انجام شده در گذشته در آمریکا نشان داد که مردان بیشتر از زنان در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت می‌کنند، اما بررسی‌های اخیر، نشانگر آن است که با افزایش برابری زنان و مردان در آمریکا، تفاوت کمتری بین میزان مشارکت با توجه به جنس افراد وجود دارد. همچنین هر چند سلامتی شخصی و توانایی فیزیکی کمتر در رابطه با

مفهوم مشارکت نیز، مانند مفهوم توسعه، صرف نظر از همه تعاریف آن - دارای ابهام زیادی است. یک کاربرد معمولی واژه «مشارکت» به «سیج» مردم برای بر عهده گرفتن پروژه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد (همان). تفسیر دوم، مشارکت را با تمرکز زدایی در دستگاه دولتی یا در سازمانهای مربوط به آن، برابر می‌گیرد و بالاخره سومین نظر در مورد مشارکت، آن را به عنوان یک فرایند اختیار دادن به جدا افتادگان و محروم ماندگان می‌شناسد. این نظر، مبتنی بر شناخت تفاوت‌های قدرت اقتصادی و سیاسی، بین طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف است. مشارکت این طور تعبیر می‌شود که بر تحکیم قدرت توده‌های محروم دلالت کند.

گای (۱۹۸۸) به نقل از دیلون و استیفیل<sup>۱</sup> ۱۹۸۷ سه عنصر اصلی مشارکت را به قرار زیر تعریف می‌کند:

تسهیم قدرت و منابع کمیاب، کوششهای آگاهانه و عمدی گروه‌های اجتماعی برای کنترل سرنوشت و بهکرد شرایط زندگی خویش و ایجاد فرصت‌ها از سطوح پایین. مشارکت در این مفهوم، مستلزم ایجاد سازمانهای مستقل و خود اتکایی فقیران است.

بر این اساس ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی از عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در فعالیت‌ها به حساب می‌آید. قدر مسلم مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و فعالیت‌های آموزشی ترویجی نیز از این امر مستثنی نبوده و حتی بدلیل ویژگی‌های خاص مشارکت در این نوع فعالیت‌ها، خصوصیات فردی و روانی، شخصیتی و نیز وضعیت اجتماعی، اقتصادی افراد از اهمیت بیشتری نسبت به مشارکت در سایر فعالیت‌ها برخوردار است.

در همین راستا ردی و همکارانش عوامل جمعیت شناسی مؤثر بر مشارکت در فعالیتهای خود جوش و داوطلبانه را مورد بررسی قرار داده‌اند که عبارتند از:

۱- چرخه حیاتی<sup>۲</sup> - این مرحله مجموعه‌ای از عوامل ویژه‌ای همچون، سن، وضعیت تأهل، تعداد اولاد و سن فرزندان را در برمی‌گیرد. مثلاً متأهلین بیشتر از افراد مجرد، بیوه‌ها و مطلقه‌ها، در فعالیت‌های داوطلبانه مشارکت می‌کنند (۲۳). این امر در مورد زنان

1 - Dillon and steifel, 1987

2 - Life cycle stage

3 - Socio-economic status

4 - Self-rated

5 - Other vated

6 - Occupational prestinge

7 - Barret. et al

8 - Feldman and welsh

9 - Tiamyu

10 - Who

مشارکت مورد بررسی واقع شد.

۴- ویژگی‌های شخصیتی و ظرفیت‌ها<sup>۱</sup> - برخی از ویژگی‌های شخصیتی که موجب پیوستن و مشارکت افراد در انجمن‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه می‌شوند، عبارتند از:

- برون‌گرایی<sup>۲</sup>، جامعه‌پذیری<sup>۳</sup>، رفاقت و اعتماد به نفس اجتماعی<sup>۴</sup> - بقای هویت<sup>۵</sup>، تعدیل روانی<sup>۶</sup>، رضایت خوشبختی<sup>۷</sup> تصور مثبت از خود<sup>۸</sup> و اعتماد به نفس<sup>۹</sup>.

- تسلط<sup>۱۰</sup>، سلطه‌جویی<sup>۱۱</sup>، استقلال فردی، رهبری و مدعی بودن<sup>۱۲</sup> - انگیزه پیشرفت، سودمندی<sup>۱۳</sup>، صلاحیت و پشتکار<sup>۱۴</sup> (عدم تقدیر گرایی و بی‌قدرتی)

- انعطاف‌پذیری<sup>۱۵</sup>، سازگاری<sup>۱۶</sup> و آمادگی برای تغییر روحیه<sup>۱۷</sup>، بقای فرا<sup>۱۸</sup> - خویشتن و نועدوستی<sup>۱۹</sup> (همان).

موانع مشارکت:

از دیدگاه اوکلی و مارسدن موانع مشارکت را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

موانع عملی: شامل برنامه‌ریزی فوق‌العاده متمرکز، مکانیزم‌های ناقص عرضه، فقدان هماهنگی‌های محلی، نامناسب بودن فن‌آوری پروژه، بی‌ربط بودن متحوی پروژه، فقدان ساختارهای محلی و غیره. (۱).

موانع فرهنگی: از دیدگاه نویسندگانی همچون فریره، توده‌های روستایی بدون هیچگونه دسترسی به موانع توسعه یا حق‌اظهار نظر و مشارکت در آن «فرهنگ سکوت» را بوجود آورده‌اند (همان).

موانع ساختاری: در اکثر کشورها روابط حاکم قدرت و تولید و ارزش‌های عقیدتی که به آن مشروعیت می‌بخشند، موانع ساختاری جدی را بر سر راه رونق مشارکت عامه ایجاد می‌کند. این موانع ساختاری، برای نیل به مشارکت، از جمله موانع بنیادی به شمار می‌روند (همان).

درک این مطلب که چرا روستائیان مشارکت در گروه‌ها و یا طرح‌هایی را که برای خدمت به خودشان تدوین گردیده ترک می‌کنند، حائز اهمیت است. غالباً ملاحظه می‌شود که طرح‌های مورد نظر به صورت تدریجی پیش می‌رود به گونه‌ای که آهنگ حرکت

آنها با میزان شتاب روند آگاهی، درک، آمادگی، سطح معلومات و مهارت‌های مشارکت‌کنندگان در آنها تناسبی ندارد و این صرفاً بدان خاطر است که تصمیم‌گیری برای تدوین طرح‌های مزبور به جای آنکه «همراه با گروه» اتخاذ شده باشد، «برای گروه» صورت گرفته است (۵).

سیاری از نویسندگان دیگر نیز عواملی را که به عنوان موانع مشارکت در برنامه‌های آموزشی محسوب می‌شود را شناسایی کرده‌اند. این عوامل به زعم جانستون و ریورا عبارتند از:

موانع وضعیتی - شامل وقت، پول، پرستاری از بچه، امکانات حمل و نقل، آب و هوا

موانع موسسه‌ای - عوامل مربوط به فراهم کردن خدمات آموزشی، برنامه‌ریزی ناجور و موقعیت‌های محدودکننده.

موانع جمعیتی - اجتماعی - سن، جنس، نژاد، درآمد، سطح آموزش و موقعیت جغرافیایی

موانع تمایلاتی - عزت نفس، مشارکت گروهی .

بر این اساس دلایل اصلی حضور اندک زنان در دوره‌های کارآموزی حرفه‌ای بزرگسالان عبارتند از: تجربیات و دستاوردهای آموزش قبلی، احساس قوی مبنی بر اینکه شاید حضور در دوره‌های حرفه‌ای به صرفشان نباشد زیرا تکمیل یک دوره تعلیماتی، ضرورتاً شغلی مناسب را در سطحی که آموزش دیدگان برای آن تخصص یافته‌اند تضمین نمی‌کند، مشکلات مالی، تسهیلات ناکافی برای مراقبت از کودکان، نوع سازماندهی دوره که ممکن است به اندازه کافی انعطاف آنرا نداشته باشد تا هم ضرورت‌های شخصی و هم ضرورت‌های آموزشی آنها را در نظر بگیرد (۱۲). علاوه بر اینها، نحوه برخورد مردان تأثیر مستقیمی بر دلسرد شدن زنان دارد. این امر شامل آموزشگران مرد و ظرفیت و حوصله آنها در کلاس آموزشی نیز می‌شود. به گفته ویرا (۱۹۸۳) شوهران و سرپرستان بارها زنان را از شرکت در کلاسهای آموزشی اکیداً منع نموده‌اند. استرومکویست (۱۹۸۹) معتقد است. مردان بیم آن دارند که زنان بیشتر از خود آنها یاد بگیرند و همین امر سبب شود که نادانی‌هایشان بیشتر جلوه نماید و

1 - Personality traits and capacities	2 - Extroversion	3 - Sociability	4 - Frienliness	
5 - Social confidence	6 - Ego-strenght	7 - Psychic adjustment	8 - Optimism	9 - Positive self-image
10- self confidence	11- Dominance	12- Aggressiveness	13- Assertiveness	14- Efficacy
15 - Perseverance	16 - Flexibility	17 - Adaptability	18 - Morality	19 - Superego strength, altruism

سایتو و اسپورلینگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) نیز در تحقیق خود در بورکینا فاسو مشخص کردند که تنها ۴۰ درصد از زنان روستایی از خدمات ترویجی در ارتباط با تکنولوژی‌های پیشرفته زراعی و دامی آگاهی داشته‌اند. البته اکثر آنها آگاهی خود را از طریق خویشاوندان و همسایگان بدست آورده بودند و قریب به ثلث آنها هم اطلاعات را از مروجین گرفته بودند و تنها یک درصد اطلاعات خود را از طریق شوهرانشان کسب کرده بودند.

بنابراین اکثر کشاورزان زن و کلاً کشاورزان کوچک شرایط لازم به عنوان گروه هدف را ندارند. هر چند کشاورزان زن نقش بسیار مهمی در تولید کشاورزی و در مدیریت خانه و مزرعه ایفا می‌کنند، اما اکثراً از سرمایه محدود و زمین‌های کوچک برخوردارند، بنابراین فقط برای مصرف خانگی تولید می‌کنند (۲۰).

به این ترتیب، پرسش‌های ویژه‌ای که این تحقیق در جهت پاسخگویی به آنهاست عبارتند از:

۱- چه ضرورتی برای جلب مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی وجود دارد؟

۲- نقش زنان روستایی در تولیدات کشاورزی چیست؟

۳- جایگاه زنان روستایی در نظام‌های ترویجی کنونی چیست؟

۴- انگیزه‌های مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی کدامند؟

۵- عوامل زیر بنایی این انگیزه‌ها کدامند؟ چه عوامل در انگیزه‌ها دخالت مستقیم دارند؟

هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی عوامل انگیزشی لازم و مؤثر برای جلب مشارکت زنان برنامه‌های ترویجی و مشارکتی می‌باشد. هدف‌های مرحله‌ای یا اصطلاحاً هدف‌های خاص این تحقیق که نهایتاً به تحقق هدف عام فوق منجر خواهد شد عبارتند از:

۱- نقش زنان روستایی در تولیدات کشاورزی و توسعه روستایی

۲- مطالعه ویژگی‌های زنان روستایی در منطقه مورد تحقیق و میزان مشارکت آنان در فعالیتهای ترویجی و مشارکتی انجام شده در منطقه.

۳- بررسی عوامل مؤثر در انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای ترویجی و مشارکتی.

۴- شناسایی و طبقه‌بندی انگیزه‌های مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای ترویجی و مشارکتی.

بالتر از آن، کشمکش‌هایی بر سر قدرتشان در خانواده بر پا شود. چنین کشمکش‌هایی باعث عکس‌العمل‌های شدیدی از جانب مردان می‌گردد. ترس از واکنش‌های شدید شوهر، یا سایر مردان خانواده، علیه استقلال عمل زنان، غالباً آنها را از شرکت در کلاس‌های آموزشی باز می‌دارد (۱۷).

دسترسی زنان روستایی به آموزش‌های ترویجی

«اگر چه زنان کمک عمده‌ای را به تولید مواد غذایی در سطح جهان معمول می‌دارند، اما به ندرت از خدمات ترویجی سود می‌برند. تماس ناچیز آنان با مؤسسات خدمات ترویجی باعث گردیده تا مسایل آنان به ندرت در سیستم ترویجی منعکس شود و لذا مؤسسات تحقیقات کشاورزی نمی‌توانند تکنولوژی متناسب با نیاز ایشان را ایجاد و توسعه دهند (۵).

«ساختارهای ترویجی تکنولوژی گرا و «از بالا به پائین» نه تنها برای برآورده ساختن نیازهای توده کشاورزان فقیر نامناسب‌اند بلکه اغلب دارای بصیرت کافی هم نمی‌باشند تا زنان را به عنوان تولید کننده ببینند، حتی در مناطقی که زنان سهمی اساسی در تولید کشاورزی داشته یا زارعین مستقلی هستند. حتی آن دسته از سازمانهای ترویج که به نحوی بازسازی شده‌اند تا بتوانند نیازهای زارعین تهیدست را درک کنند. زنان را به کلی از دور خارج کرده یا نادیده می‌گیرند» (۲).

اطلاعات حاصل شده از بررسی سال ۱۹۸۹ سازمان خواربار و کشاورزی (فاو) نشان می‌دهد که در حدود ۵ درصد از کل منابع ترویج کشاورزی در سطح جهانی، برای کشاورزان زن اختصاص داده شده و فقط ۱۵ درصد از پرسنل ترویج جهان را زنان تشکیل می‌دهند (همان). این در حالی است که در صورت یکسان بودن سایر موارد، زنان خدمات ترویجی را به نحو موثرتری نسبت به مردان مورد استفاده قرار داده‌اند (۲۵).

در مورد آندسته از کشاورزان زن که همراه با شوهر خود کار می‌کنند، عموماً فرض بر آن است که نتایج آموزش‌های ترویجی از طریق شوهران به آنان می‌رسد. اشبی<sup>۱</sup> (۱۹۸۱) این فرض را مورد سؤال و تشکیک قرار می‌دهد. مطالعات انجام شده در تانزانیا حاکی از آن است که اطلاعات ترویجی به ندرت از شوهر به زن منتقل می‌گردد (۵).

## مواد و روشها

این پژوهش با توجه به هدف آن، از نوع علی - قیاسی می باشد که در ابتدا بنابه ضرورت از روش توصیفی برای تشریح وضعیت جامعه آماری مورد مطالعه نیز استفاده می شود. متغیرهای مستقل در آن عبارتند از: سن، میزان سواد، میزان سواد همسر [والدین]، وضعیت تاهل، شغل همسر [والدین]، تعداد فرزندان (بعد خانوار)، تعداد فرزندان دختر، میانگین سن فرزندان، میزان درآمد خانواده، میزان مالکیت دام خانواده، میزان مالکیت زمین کشاورزی خانواده، مالکیت ابزار صنایع دستی (دار قالی و ...)، میزان استفاده از رسانه های گروهی، نگرش زن روستایی نسبت به فعالیت های ترویجی و مشارکتی، نگرش زن روستایی نسبت به آموزشگران دوره های آموزشی ترویجی، میزان وام دریافتی، سابقه شرکت در فعالیت های داوطلبانه، فاصله روستای محل سکونت تا شهر، میزان درآمد زن روستایی، رضایت زنان روستایی از محیط روستا، میزان رضایت از فعالیت های ترویجی مشارکتی، نگرش زن روستایی به فعالیت های کشاورزی، نگرش زن روستایی به فعالیت های دامداری، نگرش زن روستایی به صنایع دستی و ادراک زنان روستایی از نگرش مردان خانواده نسبت به مشارکت آنان

متغیر وابسته در تحقیق حاضر عبارتست از مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی ترویجی و مشارکتی است که دارای سطوح مختلفی است از جمله: شرکت در کلاس های کوتاه مدت ترویجی، بازدید از نمایشگاه های ترویجی، بازدید از مزارع نمونه، آموزش های تلویزیونی و رادیویی و شرکت در گروه های سازندگی جامعه آماری این تحقیق شامل ۴۹۱۵ نفر زنان روستایی استان فارس بود که در سال ۷۶ حداقل یکبار در فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی مدیریت ترویج و مشارکت مردمی جهاد استان فارس شرکت کرده اند.

نمونه مورد مطالعه شامل ۱۴۹ نفر زن روستایی بود که بر اساس روش کوکران و با روش نمونه گیری خوشه ای جغرافیایی و چند مرحله ای انتخاب شدند.

مدیریت ترویج و مشارکت مردمی جهاد استان فارس، شهرستانها را بر حسب موقعیت جغرافیایی به ۴ گروه تقسیم بندی نموده است. بر این مبنا در مرحله اول شهرستانهای فیروزآباد، ممسنی، فسا و مرودشت به ترتیب به عنوان نمونه از شهرستانهای جنوبی،

غربی، شرقی و شمالی به روش تصادفی ساده انتخاب گردیدند.

در مرحله دوم در هر شهرستان اقدام انتخاب دهستانهای نمونه به روش تصادفی ساده شد از بین روستاهایی که در آنها در سال ۱۳۷۶ فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی برگزار گردیده بود سپس با استفاده از فهرست اسامی و بر مبنای جدول اعداد تصادفی نمونه گیری انجام شد (جدول ۱).

در این تحقیق برای جمع آوری اطلاعات از روش های مختلفی همچون مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه ای برای دستیابی به اطلاعات بخش نظری تحقیق و نیز بررسی اسناد و شناسنامه های فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی مدیریت ترویج و مشارکت مردمی و مصاحبه برای جمع آوری اطلاعات میدانی استفاده گردیده است.

وسیله مورد استفاده برای جمع آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه بود. به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز در تحقیق، با استفاده از پرسش های تحقیق پیشین نگاشته ها، فرضیه ها، پرسش های تحقیق، مشاهدات و مصاحبه ها پرسشنامه ای در ۱۰ قسمت شامل ۱۲۶ پرسش و گویه تهیه گردید. ضریب آلفا کرونباخ محاسبه شده برای پرسشنامه تحقیق حاضر توسط نرم افزار SYS.TAT  $\alpha = 0/8957$  بود که روایی بالایی را نشان می دهد.

## روشهای پردازش و تحلیل داده ها

با توجه به نوع تحقیق، ابتدا از آمار توصیفی استفاده شده است. در بخش علی - قیاسی نیز با استفاده از روش های آمار استنباطی، عملکرد یا ارتباط بین متغیرهای مستقل وابسته مورد بررسی قرار گرفت. در همین راستا از آماره های استنباطی نظیر ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون من ویت نی - یو و آزمون کروسکال والیس استفاده شد. داده پردازش با استفاده از بسته نرم افزاری SPSS تحت ویندوز صورت گرفته است.

## نتایج و بحث

بررسی های انجام شده در منطقه مورد مطالعه نشان داد که میانگین سن زنان روستایی مورد مطالعه ۲۳/۸ سال (انحراف معیار ۷/۹۷) می باشد که از ۱۰ سال (یک مورد) تا ۶۰ سال متغیر است. بیشترین فراوانی متعلق به گروهی است که بین ۲۰-۱۶ سال سن دارند.

طریق انجام کار درآمدزا، کسب درآمد می‌کنند (میانگین ۴۳۵۵۰ ریال و انحراف معیار ۶۶۲۰۰ ریال).

اگر چه ۴۵ درصد از زنان روستایی مورد مطالعه از برنامه های رادیو و تلویزیون استفاده می‌کنند اما از برنامه‌هایی که در خصوص روستا، کشاورزی، دامداری و صنایع دستی است اصلاً استفاده نمی‌کنند و یا به صورت اتفاقی استفاده می‌کنند. میانگین استفاده از این برنامه‌ها ۱/۹ ساعت (انحراف معیار ۲/۳۵) و بیشترین فراوانی متعلق به افرادی بود که بین ۱ تا ۳ ساعت از این برنامه‌ها استفاده می‌کنند. علاوه بر آن، ۸۱/۲ درصد اصلاً در فعالیت‌های شورای اسلامی روستا شرکت نکرده‌اند. زنان روستایی مورد مطالعه به طور متوسط ۲ مرتبه در فعالیت‌های آموزشی ترویجی شرکت کرده‌اند.

آمار دوره‌های آموزش ترویجی اجراء شده در سال ۷۶ توسط مدیریت ترویج و مشارکت مردمی استان فارس به تفکیک دوره‌های آموزشی و دوره‌های ترویجی در جدول ۲ آمده است. اطلاعات ارائه شده از بررسی و مطالعه شناسنامه دوره‌های برگزار شده استخراج گردیده است (جداول ۲ و ۳).

اکثر زنان روستایی مورد مطالعه نسبت به برنامه‌های ترویجی و مشارکتی جهاد اظهار رضایت کرده‌اند (۳۸/۹ درصد در حد زیاد و ۴۷ درصد در حد خیلی زیاد).

در یک اولویت بندی از کل انگیزه‌های مورد بحث انگیزه‌های «آموختن دانش و مهارت به خاطر علاقه»، «یادگرفتن نکات تازه و جدید» و «استفاده مفید از وقت» به ترتیب در اولویت اول تا سوم قرار گرفتند. همچنین انگیزه‌های «پیدا کردن قدرت نفوذ بر دیگران»، «جلب نظر و توجه سایر زنان روستای» و «انتخاب شدن بعنوان زن نمونه روستا» در آخرین رتبه‌های اولویت بندی انجام شده قرار گرفتند.

با استفاده از نتایج تحقیقات قبلی و بررسی سوابق موضوع جمعاً ۲۸ انگیزه برای مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و آموزشی ترویجی استخراج گردید. قبل از آنکه گزینه‌های مربوط به انگیزه‌ها به پاسخگویان ارائه شود از آنها در مورد انگیزه و علت شرکت آنها در این برنامه‌ها پرسش به عمل آمد. جالب اینکه در جمع بندی پاسخهایی که در جواب این سؤال باز به عمل آمد پاسخگویان به اغلب انگیزه‌های پیش‌بینی شده به نحوی اشاره نموده بودند.

زنان روستایی مورد مطالعه به طور متوسط ۶ کلاس (انحراف معیار ۲/۹) تحصیلات دارند. بیشترین فراوانی متعلق به افرادی است که در مقطع ابتدایی تحصیل کرده‌اند.

میانگین تعداد افراد خانواده ۷ نفر (انحراف معیار ۲/۹) می‌باشد. بیشترین فراوانی متعلق به افرادی است که در خانواده‌های ۶ تا ۱۰ نفره زندگی می‌کنند.

۶۶ درصد افراد مجرد، ۳۳ درصد متأهل و حدود یک درصد بیوه یا مطلقه هستند.

میانگین تعداد فرزندان ۴ نفر (انحراف معیار ۲/۲۵)، حداکثر آن ۱۰ و حداقل آن صفر می‌باشد. بیشترین فراوانی متعلق به زنانی است که بین ۶-۴ فرزند دارند. همچنین تعداد فرزندان دختر زنان روستایی از ۰ تا ۶ نفر متغیر است و بیشترین فراوانی متعلق به زنانی است که ۳ تا ۴ فرزند دختر دارند.

میانگین سن فرزندان مورد مطالعه بین یکسال تا ۱۵ سال و بالاتری متغیر است. اما بیشترین فراوانی مطلق به زنانی است که میانگین سن فرزندان آنها به طور متوسط ۸/۳ سال (انحراف معیار ۴/۴۵) می‌باشد. (کمینه یک سال و بیشینه ۱۸ سال).

۵۸ درصد نمونه‌ها شغل اصلی همسر و یا والدین خود را کشاورز ۸/۷ درصد دامدار و ۳۰/۲ درصد سایر شغل‌ها ذکر کرده‌اند، همچنین ۳۷/۶ درصد نمونه‌ها میزان سواد همسر (والدین) خود را بی سواد و همین تعداد نیز سطح ابتدایی ذکر کرده‌اند.

۴۰ درصد از افراد مورد مطالعه فاقد زمین زراعی و باغ و ۳۹ درصد فاقد واحد دامی بودند. میانگین مقدار زمین زراعی و باغ تحت مالکیت زنان مورد مطالعه ۷ هکتار (انحراف معیار ۱۰/۲۹) و میانگین تعداد واحد دامی آنها در حدود ۲۶ واحد (انحراف معیار ۵۱/۹۶) بود. همچنین ۳۷ درصد از آنان فاقد ابزار تولید صنایع دستی بودند. ۴۹ درصد از زنان مورد بررسی ۱ تا ۲ وسیله تولید صنایع دستی را در اختیار دارند.

۵۸/۴ درصد از زنان روستایی تا زمان انجام تحقیق هیچگونه جایزه‌ای به خاطر شرکت در فعالیت‌های ترویجی دریافت نکرده‌اند اما ۳۴/۲ درصد از آنان حداقل یکبار جایزه دریافت کرده‌اند.

۵۷ درصد از افراد مورد مطالعه فاقد درآمد مستقل و ۴۳ درصد از آنها بین ۱۰/۰۰۰ ریال تا ۲۷۰/۰۰۰ ریال در ماه از



جدول ۱ - تعداد افراد آموزش دیده هر شهرستان و تعداد نمونه اختصاص یافته

ردیف	شهرستان	تعداد کل	تعداد نمونه
۱	فیروزآباد	۳۰۲	۴۱
۲	ممسنی	۲۴۳	۳۳
۳	فسا	۳۲۵	۴۴
۴	مرودشت	۳۳۰	۳۱
۵	جمع	۱۱۰۰	۱۴۹

جدول ۲ - دوره‌های آموزشی ویژه زنان روستایی برگزار شده (بلند مدت) در سال ۱۳۷۶

ردیف	عنوان دوره	تعداد زنان شرکت کننده	جمع مدت (به روز)	تعداد دوره
۱	قالی بافی (به‌آموزی و نوآموزی)	۷۲۲	۲۳۶۶	۳۵
۲	آموزش خیاطی	۳۹۹	۱۳۹۹	۱۹
۳	آموزش گلیم بافی	۱۱۹	۱۸۳	۶
۴	آموزش بافندگی	۵۵	۷۵	۳
۵	آموزش الیاف بافی	۲۵	۳۰	۱
۶	گلسازی	۳۳	۵۰	۱

جدول ۳ - دوره‌های ترویجی ویژه زنان و مردان روستایی برگزار شده در سال ۱۳۷۶

عنوان دوره	تعداد دوره	مردان	زنان	جمع
بهداشت تولید شیر و فرآورده‌های لبنی	۲۳	۱۶۲	۲۰۰۷	۲۱۶۹
بیماریهای مشترک انسان و دام	۷۶	۲۲۲۲	۲۵۱۴	۴۷۳۶
اصول تبدیل فرآورده‌های لبنی	۵۲	۲۸۲	۹۴۰	۱۲۲۳
بهداشت دام	۸۵	۱۴۲۰	۸۷۷	۲۲۹۷
آبخیزداری	۶۴	۴۰۳۵	--	۴۰۳۵
مرتعداری	۱۳۶	۸۱۷۶	۴۰۸	۸۵۸۴
پرورش مرغ بومی	۳۰	۲۴۹	۱۳۹۹	۱۶۴۸
پرورش گاو بومی	۱۲	۵۷۶	--	۵۷۶
پرورش گوسفند و بز	۱۳	۴۴۷	۹۶	۵۴۳
بیابان زدایی	۱	۷۵	--	۷۵
جشن قشلاق	۴	۶۰۰	--	۶۰۰
دامداری نمایشی - ترویجی	۱	۲۰۰	--	۲۰۰
مراکز جمع‌آوری شیر	۵	--	۷۸	۷۸
بهداشت خانه و خانواده	۳	۲۲	۱۳۰	۱۵۲

جدول ۴ - اولویت‌بندی کلی انگیزه‌های مشارکت

رتبه	انگیزه	میانگین رتبه‌ای	انحراف معیار
۱	آموختن دانش و مهارت به خاطر علاقه	۴/۲۱۴	۱/۱۴۲۳
۲	یادگرفتن نکات تازه و جدید	۴/۰۵۳	۱/۰۰۵
۳	استفاده مفید از وقت	۴/۰۲۰	۱/۰۴۳
۴	کسب تجربه و مهارت برای انجام بهتر کارها	۳/۹۷۳	۱/۳۸۳
۵	تأثیر گذاری در رشد و یادگیری فرزندان	۳/۸۷۹	۱/۲۲۴
۶	پیدا کردن توانایی برای انجام فعالیت‌های دلخواه	۳/۸۳۸	۱/۱۲۷
۷	آموختن دانش و مهارت برای امرار معاش	۳/۰۸۵	۱/۳۷۳
۸	احساس نیاز به شرکت در این برنامه	۳/۷۹	۱/۲۲۴
۹	کسب اطلاع از توانایی‌ها و استعدادها خود	۳/۶۳	۱/۳۱
۱۰	آموختن دانش و مهارت به خاطر داشتن نقش فعال در جامعه روستا همچون مردان	۳/۶۰۴	۱/۳۲
۱۱	اثبات لیاقت شایستگی به همسر (والدین)	۳/۴۷	۱/۳۵
۱۲	آموختن دانش و مهارت برای کسب پس انداز	۳/۴۵	۱/۴۵
۱۳	پیدا کردن راهی برای بهبود جامعه روستا	۳/۴۳	۱/۵۲
۱۴	به منظور کسب مدرک	۳/۳۱	۱/۵۸
۱۵	استفاده بیشتر از نیروی فکری	۳/۳۱	۱/۳۷
۱۶	احساس تعهد به برنامه‌های ترویجی	۳/۲۸	۱/۵۲
۱۷	شرکت در کاری گروهی با سایر زنان روستایی	۳/۲۶	۱/۲۹
۱۸	برآوردن انتظارات و خواست‌های همسر (والدین)	۳/۲۲	۱/۵۱
۱۹	بودن در کنار سایر زنان روستا	۳/۱۰	۱/۵۱
۲۰	به منظور دریافت تسهیلات (وام، جایزه و ...)	۲/۸۴	۱/۶۲
۲۱	ایفای نقش رهبری دیگران از طریق شایستگی	۲/۸۳	۱/۳۴
۲۲	پیدا کردن فرصت ملاقات با دیگران	۲/۷۳	۱/۴۷
۲۳	آشنایی با افراد جدید	۲/۶۷	۱/۵۳
۲۴	کسب احترام و منزلت نزد سایر زنان روستا	۲/۶۶	۱/۵۴
۲۵	پیشی گرفتن از سایر زنان روستا	۲/۶۴	۱/۵۰
۲۶	انتخاب شدن بعنوان زن نمونه روستا	۲/۵۹	۱/۵۹
۲۷	جلب نظر و توجه سایر زنان روستا	۲/۵۵	۱/۴۹
۲۸	پیدا کردن قدرت نفوذ بر دیگران	۲/۳۹	۱/۳۵

اولویت‌بندی کلی انگیزه‌های مزبور در جدول ۴ آمده است.

چنانچه مشاهده می‌شود انگیزه‌های «آموختن دانش و مهارت به خاطر علاقه»، «یادگرفتن نکات تازه و جدید» و «استفاده مفید از وقت» در اولویت‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند. همچنین انگیزه‌های «پیدا کردن قدرت نفوذ بر دیگران»، «جلب نظر و توجه سایر زنان روستا» و «انتخاب شدن بعنوان زن نمونه روستا» نیز در اولویت‌های

آخر قرار گرفته‌اند. انگیزه‌های مادی شاید یکی از دلایل آن، نقش درجه دوم زنان در تامین درآمد برای خانواده و قبول این امر از سوی خود زنان روستا باشد. به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی اسپرمن استفاده گردید جدول ۵ نتایج حاصل از این قسمت را نشان می‌دهد.

است. ( $p=0/0469$  و  $r=-0/1873$ )

۳- هر چه درآمد زن روستایی بیشتر بوده انگیزه مشارکت وی در فعالیت های ترویجی و مشارکتی بیشتر شده است. ( $r=0/3352$  و  $p=0/0301$ )

۴- هرچه میزان استفاده زنان روستایی از برنامه های آموزشی رادیو تلویزیون بیشتر باشد انگیزه مشارکت آنها در برنامه های آموزشی ترویجی بیشتر است. ( $r=0/282$  و  $p=0/0317$ )

۵- بین نگرش زنان روستایی نسبت به فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی و انگیزه مشارکت آنها در این فعالیت های رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

( $p=0/001$  و  $r=0/2691$ )

۶- با اطمینان ۹۹ درصد بین نگرش زنان روستایی نسبت به آموزشگر دوره ها و انگیزه مشارکت آنها در این فعالیت های رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. ( $r=0/3675$  و  $p=0$ )

۷- هر چه سابقه شرکت زنان روستایی در فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی بیشتر باشد انگیزه مشارکت آنها در این فعالیت ها بیشتر است. ( $r=0/3383$  و  $p=0/0466$ )

۸- هر چه رضایت زنان روستایی از محیط روستا کمتر باشد و انگیزه مشارکت آنها فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی بیشتر است. ( $r=-0/1807$  و  $p=0/028$ )

۹- هر چه میزان رضایت زنان روستایی از فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی بیشتر باشد انگیزه مشارکت آنها در این فعالیت های بیشتر است. ( $r=0/3479$  و  $p=0/032$ )

۱۰- با اطمینان ۹۵ درصد بین متغیر ادراک زنان از نگرش مردان خانواده نسبت به مشارکت آنان و انگیزه مشارکت زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

( $p=0/017$  و  $r=0/1959$ )

۱۱- با اطمینان ۹۵ درصد بین نگرش نسبت به فعالیت های صنایع دستی و انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. ( $r=0/1905$  و  $p=0/022$ )

از آنجایی که حداقل یکی از متغیرهایی تحقیق در هر فرضیه در مقیاس رتبه ای سنجیده شده است لذا برای مقایسه میانگین گروهها از آزمونهای من ویت نی - یو برای مقایسه دو گروه و آزمون

جدول ۵- رابطه بین ویژگی های شخصی زنان روستایی و انگیزه مشارکت

متغیر مستقل	r	P
سن	0/0490	0/553
سواد	0/0653	0/429
تعداد فرزند	0/147	0/0632
تعداد فرزند دختر	0/1427	0/04639*
میانگین سن فرزندان	-0/1873	0/0469*
درآمد خانواده	-0/0328	0/709
درآمد شخص	0/3352	0/0301*
تعداد دام	-0/0822	0/319
میزان زمین زراعی و باغ	-0/856	0/311
میزان استفاده از رادیو و تلویزیون	0/282	0/0317*
نگرش نسبت به برنامه های ترویجی	0/2691	0/001**
نگرش نسبت به آموزشگر	0/3675	0/000**
میزان وام دریافتی	0/2366	0/404
سابقه شرکت در فعالیتهای داوطلبانه	0/3383	0/0466*
رضایت از محیط روستا	-0/1807	0/028*
رضایت از برنامه های ترویجی	0/3479	0/032*
ادراک از نگرش مردان نسبت به مشارکت زنان	0/1959	0/017*
سواد همسر	-0/0141	0/865
نگرش نسبت به کشاورزی	0/1228	0/199
نگرش نسبت به فعالیت های دامداری	0/1744	0/088
نگرش نسبت به فعالیت های صنایع دستی	0/1905	0/022*
فاصله روستای محل سکونت تا شهر	-0/0649	0/432

P=0/01 \*\*

P=0/05 \*

با توجه به ضریب همبستگی اسپرمن و سطح معنی داری قابل قبول آن بین متغیر وابسته تحقیق (انگیزه مشارکت) و متغیرهای مستقل در ۱۱ مورد زیر همبستگی معنی دار مشاهده گردید.

۱- هر چه تعداد فرزندان دختر زنان روستایی بیشتر باشد انگیزه مشارکت وی در فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی بیشتر است. ( $r=0/1427$  و  $p=0/04639$ )

۲- هر چه میانگین سن فرزندان زن روستایی بیشتر باشد انگیزه مشارکت وی در فعالیت های ترویجی و مشارکتی کمتر

در جدول فوق نتیجه تجزیه واریانس برای معادله رگرسیون ( $F=9/11$  و  $P=0$ ) معنی داری است و لذا می توان معادله مزبور را با نتایج دیگری که در جدول وجود دارد معتبر و قابل تحلیل دانست. مقدار  $R$  کل معادله برابر  $0/53284$  است. ستون  $R^2$  نشان می دهد که مجموعه ای از متغیرهای مستقل تا چه حد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند. در اینجا  $R^2$  کلی معادله برابر  $0/28392$  می باشد و در واقع می توان گفت بیش از ۲۸ درصد از واریانس متغیر وابسته (انگیزه مشارکت) ناشی از مجموعه متغیرهای فوق می باشد. که در این میان متغیر رضایت از روستا بیشترین نقش (منفی) را دارا بوده است. کمترین نقش نیز مربوط به متغیر نگرش مثبت به صنایع دستی است. مقدار  $R^2$  بدست آمده در بالا مقداری است که برای جامعه نمونه محاسبه شده است. اما  $R^2$  تعدیل شده، ضریب همبستگی جامعه کل را نشان می دهد که در اینجا برابر با  $0/25278$  می باشد.

لازم به ذکر است که برای مقایسه رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از ضریب Beta کلیه متغیرهای مستقل موجود در معادله به متغیرهای استاندارد تبدیل گردیده اند. بدین ترتیب هر متغیری که عدد بزرگتری دارد، دارای وزن و تأثیر بیشتری به متغیر وابسته می باشد. به این ترتیب معادله رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحقیق (انگیزه مشارکت) به صورت زیر درمی آید:

$$Y = 33/19 + 0/17408X_1 - 0/25640X_2 + 0/16643X_3 + 0/16700X_4 + 0/2377X_5 + 0/23625X_6$$

که در آن:

$$X_1 = \text{دریافت جایزه}$$

$$X_2 = \text{رضایت نسبت به محیط روستا}$$

$$X_3 = \text{نگرش نسبت به فعالیت های صنایع دستی}$$

$$X_4 = \text{نگرش نسبت به آموزشگر}$$

$$X_5 = \text{نگرش نسبت به فعالیت ها و آموزش ترویجی و مشارکتی}$$

$$X_6 = \text{میزان استفاده از برنامه های ترویجی و آموزشی رادیو و تلویزیون}$$

همانگونه که مشاهده می شود متغیر «نگرش نسبت به محیط روستا» دارای رابطه منفی و معنی داری در معادله رگرسیون می باشد.

#### پیشنهادها:

بر مبنای دستاوردهای این تحقیق و به منظور افزایش مشارکت زنان روستایی در برنامه های ترویجی پیشنهاد می شود:

کروسکال والیس برای مقایسه چند گروه استفاده شده است. به این ترتیب آزمون های آماری مربوط به مقایسه میانگین ها در اقصاء مختلف جامعه آماری تحقیق نشان داد که:

۱- میانگین انگیزه مشارکت دختران روستایی از میانگین انگیزه مشارکت زنان متأهل روستایی بیشتر است.

$$(p=0/0389 \text{ و } u=2028/5)$$

۲- میانگین رتبه ای انگیزه مشارکت زنان روستایی که دارای ابزار تولید صنایع دستی می باشند از میانگین رتبه ای انگیزه مشارکت کسانی که فاقد این ابزار می باشند بیشتر است.

$$(p=0/0026 \text{ و } u=338/5)$$

۳- میانگین رتبه ای انگیزه مشارکت زنان روستایی که دارای درآمد مستقل می باشند از میانگین رتبه ای انگیزه مشارکت زنانی که فاقد درآمد مستقل می باشند بیشتر است.

$$(p=0/0351 \text{ و } u=2478/5)$$

۴- میانگین رتبه ای انگیزه مشارکت زنان روستایی که به خاطر شرکت در فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی جایزه دریافت نموده اند از کسانی که جایزه دریافت نموده اند بیشتر است.

$$(p=0/0404 \text{ و } u=1775)$$

۵- انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی در شهرستانهای مختلف تفاوت دارد و بالاترین میزان انگیزه مشارکت در شهرستان فیروزآباد و پایین ترین میزان در شهرستان فسا مشاهده گردیده است.

$$(p=0/0459 \text{ و } \chi^2=7/4305)$$

۶- میانگین رتبه ای انگیزه باید مشارکت زنان متأهل روستایی در فعالیت های آموزشی ترویجی و مشارکتی از میانگین رتبه ای انگیزه مادی دختران روستایی بیشتر است.

$$(p=0/006 \text{ و } u=1736)$$

۷- میانگین رتبه ای انگیزه کسب مدرک دختران روستایی از انگیزه کسب مدرک زنان روستایی بیشتر است.

$$(p=0/0438 \text{ و } u=1926/5)$$

در مرحله آخر به منظور سنجش تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیری به روش Backward استفاده شد. نتایج حاصل از انجام رگرسیون در جدول ۱۰ ملاحظه می گردد.

- ۱- نگرش مثبت در مردان روستایی برای شرکت دادن زنان در برنامه های آموزشی ترویجی تقویت شود
- ۲- در صورت امکان نسبت به تهیه برنامه های آموزشی ترویجی از طریق تلویزیون و یا رادیو که استفاده از آنها برای زنان به ویژه در منازل آسان تر است اقدام شود.
- ۳- از زنان کار آفرین برای جلب انگیزه زنان روستایی و شرکت آنان در برنامه های آموزشی ترویج استفاده شود.
- ۴- حتی المقدور در برنامه های ترویجی و آموزشی از کارشناس و مروج زن استفاده شود و در صورت امکان از مروجان مرد استفاده نشود.
- ۵- با توجه به انگیزه بیشتر دختران روستایی برای شرکت در کلاس های ترویجی این کلاس ها با روش ها و ویژگی های مخصوص آنان از نظر سن، حرفه ای و آموزشی تطبیق داده شود.
- ۶- زنان و دخترانی که در برنامه های آموزشی ترویج شرکت کرده و به موفقیت هایی نایل می شوند با اهدای جوایز و هدایایی متناسب مورد تشویق قرار گیرند.
- ۷- دوره های ترویجی بر مبنای سنجش نیاز های زنان روستایی و با مشارکت خود آنان طراحی و تنظیم شوند.
- ۸- برنامه های خاص آموزش زنان روستایی به ویژه آنهایی که منجر به تولید و افزایش تولید می شوند با سیاست های حمایتی ویژه مواجه شوند.

## REFERENCES

## مراجع مورد استفاده

- ۱- اوکلی، پ. و د. مارسدن ۱۳۷۰. رهیافت های مشارکت توسعه روستایی. ترجمه منصور محمود نژاد انتشارات مرکز تحقیقات روستایی، وزارت جهاد سازندگی.
- ۲- جاگینز، ج. ۱۳۶۹. ده مقاله درباره ترویج کشاورزی. (ویراسته ها و رکورت و رولینگ). انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهادسازندگی.
- ۳- دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل (۱۳۷۲). نقش زنان توسعه، انتشارات روشنگران.
- ۴- زمانی پور، ا. ۱۳۷۳. ترویج کشاورزی در فرایند توسعه انتشارات مؤسسه آموزش عالی بیرجند.
- ۵- سوان سون، ب. (ویراستار) ۱۳۷۰. مرجع ترویج کشاورزی. ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران. انتشارات سازمان ترویج کشاورزی.
- ۶- سازمان ملل متحد ۱۳۷۵. گزارش توسعه انسانی. ۱۹۹۵. ترجمه غلامحسین صالح نسب وزارت جهاد. (ضمیمه ماهنامه سالنامه علمی جهاد).
- ۷- سیترز، ریچارد. ام و دلیمان دلبیو پورتر (۱۳۷۲). انگیزش و رفتار در کار. ترجمه امین الله علوی. جلد اول. انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی. تهران.
- ۸- سیف، ع. ا. ۱۳۷۰. روانشناسی پرورشی. انتشارات آگاه.
- ۹- شهر آراتی، م. ۱۳۷۵. انگیزه پیشرفت در زنان، بررسی پژوهش های نیم قرن اخیر. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره یازدهم شماره اول و دوم.
- ۱۰- گای، و. ۱۹۸۸. توسعه مشارکتی، چشم اندازهایی از تجربه های توده های روستایی. گاهنامه روستا و توسعه، شماره ۴ مهرماه ۱۳۷۱، انتشارات جهاد سازندگی.
- ۱۱- گادا، م. ۱۳۷۰. زن چگونه قدرتی است؟ ترجمه زهره بهجو، کتاب نهم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۲- گروه نویسندگان ۱۳۷۱. آموزش بزرگسالان در کشورهای گوناگون. ترجمه هدی فرجامی. انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۳- مان، نرمان. ل. ۱۳۵۲. اصول روانشناسی (اصول سازگاری آدمی). ترجمه و اقتباس محمود ساعتچی. جلد اول. مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۴- مهر آرا، ع. ا. ۱۳۷۲. زمینه روانشناسی اجتماعی. انتشارات مهرداد.
- ۱۵- ملک محمدی، ا. ۱۳۷۲. مبانی ترویج کشاورزی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

- ۱۶ - ملک محمدی، ا. ۱۳۷۴. شاخص‌های مشارکت مردمی در مدیریت منابع طبیعی. ماهنامه علمی جهاد. شماره ۱۸۳-۱۸۲-۱۷. لند، آجتا و آنتون ج. ۱۳۷۱. سوادآموزی بزرگسالان در جهان سوم. ترجمه مرتضی مشتاقی، انتشارات مدرسه.
- ۱۸ - نائلی، ع.م. ۱۳۷۳. انگیزش در سازمانها. انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
19. Emmalou Van Tilburg Norland (1992). Why Adult Participate, Jornal of extension volume xxx, fall. PP. 12-13.
20. F.A.O. (1996). Food securrtg. FAO Rome, WF.S.
21. Hoprner, M. (1972) "Toward an Understanding of Achicvment Related Conflicts in women". Journal of Social issues.
22. Matline, Margaret.U. (1987). The Psychology of Women. Holt, Rinehart, and Winston, inc.
23. Reddy. Richard. P. and others. (1973) Who Participates in Voluntary Aetien? Journal of extension, volumeXI, Nouber 3. Fall, PP. 17-23.
24. Reddy. Richard. D., et al. (1973). Why do People Participate in Voluntary Action? Journal of Extension volume XI. Winter PP. 35-40.
25. Saito, K. and D. Spurling (1992). Developing Agricultural Extension for Women Farmers. World Bank. Discossion paper, N.156.

## **Motives for Rural Women to Participate in Agricultural Extension Programs Case Study in Fars Province Iran.**

**I. MALEK MOHAMMADI and GH. HOSAINI NIA**

Associate Professor and Ph.D Student, Faculty of Agriculture, University  
of Tehran, Karaj, Iran.

Accepted Oct. 12, 1999

### **SUMMARY**

Although women are recognized as an incredible help in producing agricultural produce all over the world, but they are rarely served by extension organization. Their rare contact with extension service personnel has caused for them not to be considered in extension system. According to FAO, about 5% of the total agricultural extension service around the world is conducted to the rural women and only 15% of the advantages from extension services much more and better than men in the similar circumstances. The main focal goal of this research was to study the role of motives in encouraging design was "cause and comparative" in which 12 personal characteristics and 15 extension education factors for women in fars province who have been participated in extension programs at least once. The sample srown from this population was consisted of 149 randomly selected rural women. Inferential statistics was used to compare means, correlation coefficients between variables. Results taken showed that most of the rural women have been favored with the extension programs. Priority with the extension programs . Proroty settings also showed that among the otivates included in this study, "being interested in learing" , "learn new hints" and "proper time uses" were ranked as first to third important factors respectfully. Totally 28 motives were recognized to be influencing in rural women's participation. Calculating spearman correlation coefficient between motives and women participation in extension progerams showed that 11 out of 28 motives were statistically correlated. Based on the findings in this study it was recommended that the proneour rural women along with the female extension agents should be used to apply the extension programs and motivate rural women to participate.

**Key Words:** Rural women, Participation, Extension education, Extension and participation